

Handwritten signature or mark in black ink, featuring a vertical stroke and a circular flourish.



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

بررسی ساخت فعل در گوش تاتی اشتهاردی

استاد راهنما: دکتر مجتبی منشی‌زاده

استاد مشاور: دکتر ویدا شقاقی

نگارنده: حامد حسینی زنجانی‌نژاد

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

شهریور 1389

تقدیرم به

همسرم، که عشق و همراه من است.

پدر و مادرم، که بی‌دریغ پشتیبانم بوده‌اند.

دوستانم، حامد و منیژه، که انجام این پایان‌نامه را مدیون آنان ام.

دوست و استادم «حامد عبدی»، که چراغ راهم شد...

چکیده:

موضوع این پژوهش بررسی ساخت فعل در گویش تاتی اشتهاردی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در روش میدانی داده‌ها به صورت فایل صوتی ضبط شده و سپس واج‌نگاری و تحلیل شدند. بنابر داده‌های این پژوهش، نظام فعلی در اشتهاردی بر اساس دو ستاک حال و گذشته بنا شده است. از ستاک حال وجه امری، حال استمراری، حال مستمر، حال التزامی و وجه دعایی ساخته می‌شود. از ستاک گذشته نیز گذشته‌ی مطلق، گذشته‌ی استمراری، گذشته‌ی مستمر، حال کامل، گذشته‌ی کامل، گذشته‌ی کامل استمراری و گذشته‌ی التزامی حاصل می‌آید. در زمان حال، فعل با فاعل فعلِ گذرا یا فاعل فعل ناگذر در مطابقت است. در ساختار گذشته‌ی گذرا فعل اغلب بدون مطابقت با وابسته‌های فعلی و به صورت سوم شخص مفرد مذکر ظاهر می‌شود و اگر با وابسته‌ای در مطابقت باشد آن وابسته مفعول فعل گذشته‌ی گذرا است. فاعل در ساختار گذشته‌ی گذرا در قالب اسم یا ضمیر غیرپی‌بستی، پی‌بستی‌های ضمیری و یا هر دو توأم در جمله ظاهر می‌شود. پی‌بستی‌های ضمیری آزادانه به هر یک از مقولات واژگانی اسم، صفت، قید، ضمیر، حرف ربط و یا فعل در جمله متصل می‌شوند. در اشتهاردی، نظام انطباق زمان‌بنیاد وجود دارد. انطباق را در این زبان بیشتر حالت‌نشانی و کمتر مطابقت رقم می‌زند. حالت‌های ساختاری به دو حالت مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. حالت مستقیم غالباً برای نشان‌گذاری: (1) فاعل فعل ناگذر (S)، (2) منادا (Voc)، (3) مفعول فعل گذرای حال که اسم جنس باشد (O-generic)، (4) مفعول فعل گذرای گذشته (O-past)، (5) فاعل فعل گذرای حال (A)، (6) مفعول غیرمستقیم غیرجاندار (Inanim IO) و (7) مفعول حرف اضافه‌ای غیرجاندار (Inanim O-ad) استفاده می‌شود. حالت غیرمستقیم غالباً برای نشان‌گذاری: (1) وابسته در ساخت اضافی، (2) فاعل فعل گذرای گذشته (A-past)، (3) مفعول فعل گذرای حال (O)، (4) مفعول غیرمستقیم جاندار (Anim IO) و (5) مفعول حرف اضافه‌ای جاندار (Anim O-ad) به کار می‌رود. طبق یافته‌های این پژوهش، اسم جنس بودگی و جاننداری در حالت‌نشانی تأثیرگذارند. این می‌تواند تأییدی باشد بر نظریه‌های زبانی که به وجود تعامل بین دو حوزه‌ی صورت و نقش قائل‌اند.

واژگان کلیدی:

زبان‌های ایرانی، گویش‌شناسی، تاتی، اشتهاردی، ساختار کنایی، فعل، انطباق زمان‌بنیاد، حالت‌نشانی

فهرست مطالب

ل	علائم آوایی
م	علائم اختصاری
س	پیش‌گفتار
1	فصل اول: مقدمه
2	1-1- طرح مسئله
4	2-1- اهداف پژوهش
4	3-1- پرسش‌های پژوهش
4	4-1- معرفی جامعه مورد مطالعه
6	5-1- روش پژوهش
9	6-1- محدودیت‌های پژوهش
11	فصل دوم: پیشینه‌ی مطالعات
12	1-2- پیشینه‌ی مطالعات پیرامون فعل
12	1-1-2- فعل و ساختمان فعل
14	1-1-1-2- فعل بسیط
14	2-1-1-2- فعل پیشوندی
15	3-1-1-2- فعل مرکب

16	2-1-2- انواع فعل
17	1-2-1-2- فعل اصلی
17	2-2-1-2- فعل ربطی
18	3-2-1-2- فعل کمکی یا معین
19	4-2-1-2- فعل وجهی
20	3-1-2- تصریف
21	4-1-2- وندافزایی
22	5-1-2- زمان
24	6-1-2- نمود
27	7-1-2- وجه
29	8-1-2- فعل سببی
29	9-1-2- صیغگان
30	10-1-2- گذرا و ناگذر
31	11-1-2- معلوم و مجهول
32	12-1-2- اسم مفعول یا صفت مفعولی
32	2-2- مطالعات پیشین پیرامون قوم تات و زبان تاتی
33	1-2-2- معنای واژه‌ی تات
35	2-2-2- پراکندگی جغرافیایی تات‌زبان‌ها
38	3-2-2- خاستگاه تات‌ها و زبان تاتی

38	4-2-2- گونه‌های تاتی
39	5-2-2- پراکندگی تاتی اشتهاردی
41	6-2-2- جلال آل احمد (1337)
41	7-2-2- احسان یارشاطر (1969)
45	8-2-2- حسین نخعی (1348)
48	9-2-2- عباس طاهری (1370)
50	10-2-2- ایرج رحمنی (1380)
50	11-2-2- محمد راسخ‌مهند (1388)
51	12-2-2- حامد حسینی و همکاران (1388)
52	13-2-2- سایرین
53	فصل سوم: مفاهیم نظری
54	1-3- فعل و ساختمان فعل
54	1-1-3- فعل بسیط
54	2-1-3- فعل پیشوندی
55	3-1-3- فعل مرکب
55	2-3- انواع فعل (از حیث توانایی آنها در جذب متمم)
56	1-2-3- فعل اصلی
56	2-2-3- فعل ربطی
56	3-2-3- فعل کمکی

57	4-2-3- فعل و جهی
57	3-3- مقوله‌های تصریفی فعل
58	1-3-3- مختصه‌های ذاتی فعل
58	1-1-3-3- زمان
59	1-1-1-3-3- افعال باقاعده
59	2-1-1-3-3- افعال بی‌قاعده
60	2-1-3-3- نمود
61	3-1-3-3- وجه
62	4-1-3-3- قطبی‌شدگی
62	5-1-3-3- جهت
64	6-1-3-3- طبقات صرفی
65	2-3-3- مختصه‌های مطابقت فعل
65	1-2-3-3- شخص
65	2-2-3-3- شمار
66	3-2-3-3- جنس و جاننداری
67	3-3-3- مختصه‌های پایگانی فعل
67	1-3-3-3- ظرفیت و وابسته‌های فعلی
69	2-3-3-3- گذرایبی
70	3-3-3-3- حالت

70	4-3-3-3- سببیت
72	4-3- انطباق
73	1-4-3- انطباق مفعولی، کنایی و زمان بنیاد
75	2-4-3- کنایی نحوی و کنایی صرفی
76	5-3- اسم مفعول
77	6-3- ریشه، ستاک، پایه
78	7-3- واژه بست
80	فصل چهارم: تحلیل داده‌ها
81	1-4- ستاک‌های فعلی
83	2-4- اقسام افعال از لحاظ ساختمان
83	1-2-4- افعال بسیط
85	2-2-4- افعال پیشوندی
90	3-2-4- افعال مرکب
91	3-4- وندهای فعلی
91	1-3-4- be- وند
92	2-3-4- وند استمرار
95	3-3-4- وند نفی
96	4-3-4- وند نهی
97	5-3-4- وند زینت

99	4-4- نشان‌گذاری جنس در افعال
105	4-5- افعال کمکی
105	4-6- گذرایی در اشتهاردی
106	4-7- صورت‌های ساخته شده از ستاک حال
106	4-7-1- وجه امری
110	4-7-2- حال استمراری
115	4-7-3- حال مستمر
118	4-7-4- حال التزامی
122	4-7-5- وجه دُعایی
124	4-8- صورت‌های ساخته شده از ستاک گذشته
124	4-8-1- صورت‌های ساخته شده از ستاک گذشته‌ی افعال ناگذر
124	4-8-1-1- گذشته‌ی ساده (مطلق)
130	4-8-1-2- گذشته‌ی استمراری
131	4-8-1-3- گذشته‌ی مستمر
132	4-8-1-4- حال کامل
133	4-8-1-5- گذشته‌ی کامل
135	4-8-1-6- گذشته‌ی کامل استمراری
135	4-8-1-7- گذشته‌ی التزامی
136	4-8-2- صورت‌های ساخته شده از ستاک گذشته‌ی افعال گذرا

141	4-8-2-1- گذشته‌ی ساده (مطلق)
145	4-8-2-2- گذشته‌ی استمراری
147	4-8-2-3- گذشته‌ی مستمر
147	4-8-2-4- حال کامل
150	4-8-2-5- گذشته‌ی کامل
152	4-8-2-6- گذشته‌ی کامل استمراری
152	4-8-2-7- گذشته‌ی التزامی
153	4-9- ساخت مجهول
154	4-10- سببی‌سازی
156	4-11- افعال وجه‌نما
159	4-12- چند فعل خاص
159	4-12-1- فعلِ «بودن»
166	4-12-2- افعال «شدن» و «گشتن»
168	4-12-3- فعلِ «رفتن»
169	4-13- حالت‌نشانی در اشتهاوردی
182	4-13-1- حالت‌نشانیِ اسم
189	4-13-2- حالت‌نشانیِ ضمیرهای شخصی
190	4-13-3- حالت‌نشانیِ ضمیرهای اشاره
193	4-13-4- حالت‌نشانیِ ضمیرهای انعکاسی

195	4-13-5- حالت‌نشانیِ ضمیرهای مبهم
197	فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیامدهای نظری
198	5-1- خلاصه و نتیجه‌گیری
200	5-2- پیامدهای نظری
202	کتابنامه
207	پیوست‌ها
208	واژه‌نامه
213	معرفی اطلاع‌رسانان
214	چند عکس از اطلاع‌رسانان و اعضای تیم پژوهش
215	فهرست افعال پربسامد تاتی اشتهاردی
220	قواعد زیرنویسی لایپیگ
221	شرح سی‌دی ضمیمه
222	چکیده‌ی انگلیسی پژوهش

فهرست نمودارها:

25	نمودار 1	نمودار تقابل نمود لحظه‌ای و تداومی
27	نمودار 2	نمودار تقابل‌های نمودی
43	نمودار 3	نمودار طبقه‌بندی گویش‌های تاتی جنوبی
55	نمودار 4	نمودار تقسیم‌بندی افعال از حیث توانایی آنها در جذب متمم
60	نمودار 5	نمودار تقابل نمود کامل و نمود غیرکامل
74	نمودار 6	سه نوع اصلی انطباق
171	نمودار 7	انواع حالت در اشتھاردی
182	نمودار 8	نقش‌های دستوری دارای حالت مستقیم در اشتھاردی
182	نمودار 9	نقش‌های دستوری دارای حالت غیرمستقیم در اشتھاردی

فهرست تصویرها:

3	تصویر 1	نقشه‌ی زبان‌های در معرض خطر در پروژه‌ی زبانهای در معرض خطر در 2006
37	تصویر 2	نقشه‌ی پراکندگی تات‌زبان‌های ایران
40	تصویر 3	نقشه‌ی پراکندگی نقاط تات‌نشین در بخش اشتھارد شهرستان کرج

علائم آوایی:

علائم آوایی به کار رفته در این پایان نامه بر اساس الفبای آوانگاری بین المللی (IPA) می باشد. جدول آخرین ویرایش آن در زیر ارائه شده است.

THE INTERNATIONAL PHONETIC ALPHABET (2005)

CONSONANTS (PULMONIC)

	LABIAL		CORONAL				DORSAL			RADICAL		LARYNGEAL
	Bilabial	Labio-dental	Dental	Alveolar	Palato-alveolar	Retroflex	Palatal	Velar	Uvular	Pharyngeal	Epi-glottal	Glottal
Nasal	m	ɱ	n				ɳ	ɲ	ŋ	ɴ		
Plosive	p b	ɸ β	t d				ʈ ɖ	c ɟ	k ɡ	q ɢ	ʔ	ʕ
Fricative	ɸ β	f v	θ ð	s z	ʃ ʒ	ʂ ʐ	ç ʝ	x ɣ	χ ʁ	ħ ʕ	ħ ʕ	h ɦ
Approximant		ʋ	ɹ				ɻ	j	ɰ			
Trill	ʙ		r								ʀ	
Tap, Flap		ⱱ	ɾ				ɽ					
Lateral fricative			ɬ ɮ			ɮ̥	ɬ̥					
Lateral approximant			l			ɭ	ʎ	ʟ				
Lateral flap			ɺ			ɺ̥						

Where symbols appear in pairs, the one to the right represents a modally voiced consonant, except for murmured *ɦ*. Shaded areas denote articulations judged to be impossible. Light grey letters are unofficial extensions of the IPA.

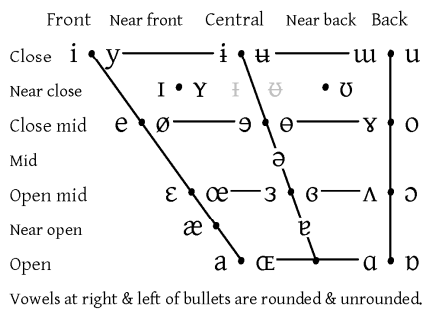
CONSONANTS (NON-PULMONIC)

Anterior click releases (require posterior stops)	Voiced implosives	Ejectives
⦿ Bilabial fricated	ɓ Bilabial	ʼ Examples:
Laminal alveolar fricated ("dental")	ɗ Dental or alveolar	ɸ' Bilabial
! Apical (post)alveolar abrupt ("retroflex")	ʄ Palatal	t' Dental or alveolar
‡ Laminal postalveolar abrupt ("palatal")	ɠ Velar	k' Velar
Lateral alveolar fricated ("lateral")	ɣ Uvular	s' Alveolar fricative

CONSONANTS (CO-ARTICULATED)

- ɱ Voiceless labialized velar approximant
- ʋ Voiced labialized velar approximant
- ɰ Voiced labialized palatal approximant
- ɕ Voiceless palatalized postalveolar (alveolo-palatal) fricative
- ʑ Voiced palatalized postalveolar (alveolo-palatal) fricative
- ɧ Simultaneous x and ʃ (disputed)
- kp̚ ts̚ Affricates and double articulations may be joined by a tie bar

VOWELS



SUPRASEGMENTALS

- ' Primary stress " Extra stress
 - ˌ Secondary stress [ˈfəʊnəˈtʃən]
 - eː Long e˘ Half-long
 - e short e̘ Extra-short
 - Syllable break ~ Linking (no break)
 - ː Intonation
 - | Minor (foot) break
 - || Major (intonation) break
 - ↗ Global rise ↘ Global fall
- TONE
- Level tones
 - é ˩ Top
 - é ˨ High
 - ē ˩ Mid
 - è ˩ Low
 - è ˩ Bottom
 - Contour-tone examples:
 - ě ˩ Rising
 - ê ˩ Falling
 - ē ˩ High rising
 - ẽ ˩ Low rising
 - ē ˩ High falling
 - ē ˩ Low falling
 - ẽ ˩ Peaking
 - ẽ ˩ Dipping

DIACRITICS

Diacritics may be placed above a symbol with a descender, as ɲ̥. Other IPA symbols may appear as diacritics to represent phonetic detail: tʰ (fricative release), bʰ (breathy voice), ʔa (glottal onset), ʔ (epenthetic schwa), oʷ (diphthongization).

SYLLABICITY & RELEASES		PHONATION		PRIMARY ARTICULATION		SECONDARY ARTICULATION			
ɲ̩	Syllabic	ɲ̥	Voiceless or Slack voice	t̪	Dental	tʷ	Labialized	ɔ̠	More rounded
ɛ̥	Non-syllabic	ɛ̥	Modal voice or Stiff voice	t̪	Apical	tʲ	Palatalized	ɔ̠ʷ	Less rounded
tʰ	(Pre)aspirated	ɲ̥	Breathy voice	t̪	Laminal	tʰ	Velarized	ẽ̠	Nasalized
d̪	Nasal release	ɲ̥	Creaky voice	u̪	Advanced	t̪	Pharyngealized	ɔ̠	Rhoticity
d̪	Lateral release	ɲ̥	Strident	i̪	Retracted	t̪	Velarized or pharyngealized	ɛ̠	Advanced tongue root
t̪	No audible release	ɲ̥	Linguolabial	ä̪	Centralized	ũ̪	Mid-centralized	ɛ̠	Retracted tongue root
ɛ̠	Lowered (β is a bilabial approximant)	ɛ̠		ɛ̠	Raised (ɹ̠ is a voiced alveolar non-sibilant fricative, ɹ̠ a fricative trill)				

علائم اختصاری:

نشانه‌ی اختصاری	معنای انگلیسی نشانه	معنای فارسی نشانه
-	morpheme separator	علامت تقطیع تکواژی
:		علامت جدا کننده‌ی برچسب‌های یک تکواژ واحد
=	enclitic boundary	مرز واژه‌بست
/	or	یا
1	first person	اول شخص
2	second person	دوم شخص
3	third person	سوم شخص
A	agent in non-past tense verb	فاعل فعل حال گذرا
ABS	absolutive	مطلق
AD	adposition	حرف اضافه
ADJ	adjective	صفت
ADV	adverb	قید
anim	animate	جاندار
A-past	agent in past tense verb	فاعل فعل گذشته‌ی گذرا
AUX	auxiliary	فعل کمکی
COMP	complementizer	متمم‌نما
CONJ	conjunction	حرف ربط
DEM	diminutive suffix	وند تصغیر
DIR	direct	حالت مستقیم
ERG	ergative	کنایی
f, FEM	feminine	مؤنث
GEN	genitive	حالت اضافی
inanim	inanimate	غیرجاندار
INTRJ	interjection	حرف ربط
IO	Indirect Object	مفعول غیرمستقیم
m, MAS	masculine	مذکر

NPSM	non-past stem	ستاك حال
NPST	non-past	حال
O-ad	Object of Adposition	مفعول حرف اضافه
OBJ	object	مفعول
OBL	oblique	حالت غير مستقيم
O-past	Object of Past Tense Verb	مفعول فعل گذشته‌ی گذرا
PARTIC	participle	اسم مفعول
pl	plural	جمع
POST	postposition	پس اضافه
PREP	preposition	پیش اضافه
prev	preverb	پیشوند فعلی
PROG	progressive	وند استمرار
PSM	past stem	ستاك گذشته
PST	past	گذشته
S	subject	فاعل فعل ناگذر
sg	singular	مفرد
subj	subjunctive	وجه التزامی
tr, trans	Transitive	گذرا
V	verb	فعل
ر.ک.		رجوع کنید به
مؤ		مؤنث
مذ		مذکر
مع		معنی، معادل

پیش‌گفتار:

در کلاس اصول دستور زبان برای نخستین بار با مفهوم نظام کنایی آشنا شدم، اما مثال‌هایی که در کتاب درسی مربوط به آن درس ارائه شده بود بیشتر از زبان لژگیایی، زبان‌های سرخپوستی و زبان‌های بومی استرالیا بود. نمونه‌های ساخت کنایی از زبان‌هایی بودند که به عنوان گویشور فارسی، کوچک‌ترین آشنایی‌ای نسبت به آنها نداشتم، به همین دلیل به درستی نمی‌توانستم مفهوم ساخت کنایی را درک کنم و همیشه علاقه داشتم زبانی کنایی-مطلق را می‌دانستم تا پدیده‌ی مطابقت فعل با مفعول را، که به عقیده‌ی خودم مسئله‌ای بسیار جالب بود، می‌توانستم بهتر لمس کنم. این خواسته در من وجود داشت تا زمانی که برای پروژه‌ی بررسی مردم‌شناختی زبان‌های رایج در شهرستان کرج، با تأکید بر زبان تاتی به همراه دوستانم که در انجام این پژوهش با من همکاری می‌کردند به اشتهارد رفتیم تا حوزه‌ی پژوهش را از نزدیک ببینیم. این پروژه‌ای بود که طی قراردادی می‌خواستیم برای سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (واحد مردم‌شناسی) انجام دهیم. در اینجا بود که بسیار به زبان تاتی اشتهاردی علاقه پیدا کردم و این پروژه نقش پژوهشی اکتشافی داشت تا مرا به اینجا رهنمون کند که موضوع پایان‌نامه‌ام را روی اشتهاردی متمرکز سازم. آنچه در همان روز اول حضورمان در اشتهارد در مصاحبه با چند اشتهاردی به آن برخورد کردم این بود که در بعضی ساخت‌ها گویا فعل را بدون توجه به فاعلی که در جمله‌هاشان می‌آمد صرف می‌کردند و با تغییر کردن فاعل فعل هیچ تغییری نمی‌کرد و شکلی ثابت را حفظ می‌کرد. این نکته مرا یاد کلاس‌های اصول دستور زبان و زبان‌های کنایی انداخت. گویا گم‌کرده‌ای را یافته باشم. دیگر اشتهاردی مثل زبان‌های سرخپوستی نبود که از آنها هیچ سر در نیاورم، بلکه می‌توانستم هم با گویشوران اشتهاردی و هم با زبانشان ارتباط برقرار کنم.

اما نکته‌ی تأسف‌باری که به آن پی‌بردم این بود که بیشتر مردم چندان تمایلی نداشتند که با فرزندان‌شان به تاتی تکلم کنند و زبان فارسی را در صحبت با فرزندان ترجیح می‌دادند. وقتی علت این موضوع را از آنها پرسیدم جوابی که از بیشتر اشتهاردی‌ها شنیدم این بود که «اگر با بچه‌هایمان اشتهاردی صحبت کنیم لهجه می‌گیرند». آنها نگران بودند بچه‌ها فارسی را خوب یاد نگیرند و این در تحصیلاتشان خلل ایجاد کند. به همین خاطر فرزندان‌شان تاتی را می‌فهمیدند اما نمی‌توانستند به تاتی تکلم کنند. این وضعیت برایم بسیار نگران‌کننده آمد. با خود گفتم اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد به زودی زبان اشتهاردی خاموش خواهد شد.

موضوع دیگری که توجه مرا به خود جلب کرد این بود که اهالی هر محله‌ای ادعا می‌کردند که اهالی محله‌ی دیگر با لهجه‌ای متفاوت صحبت می‌کنند؛ مثلاً خردک خیابونی‌ها می‌گفتند «پارچی آبادی‌ها جور دیگر حرف می‌زنند» و یا اینکه «سیادیه‌ای‌های خیلی غلیظ حرف می‌زنند». وقتی بیشتر توجه کردم متوجه تفاوت‌های ظریفی بین زبان اهالی محله‌های مختلف شدم. به این نتیجه رسیدم که در اشتهاورد تفاوت‌های زبانی فراوانی بین گویشوران وجود دارد و این باعث تنوعی بالا در این زبان حتی در محدوده‌ی یک شهر و حومه‌ی آن شده است. به عقیده‌ی نگارنده، با این تنوع بالا در درون اشتهاوردی و با این سیطره‌ی وسیع و فزاینده‌ای که زبان فارسی تهرانی بر این زبان افکنده است بی‌شک در آینده‌ای نه چندان دور زبان اشتهاوردی تغییری غیرقابل تصور خواهد داشت و شاید حتی رده‌ی آن تغییر کند. این نگرانی‌ها همه باعث شد عزم نگارنده برای قرار دادن موضوع پایان‌نامه‌ی حاضر بر بررسی ساخت فعل در اشتهاوردی جزم گردد.



فصل ۱

مقدمه

1-1 - طرح مسئله

لزوم توصیف و ثبت زبان‌های طبیعی بشر در جهت پیشبرد علم زبان‌شناسی چه به لحاظ نظری و چه کاربردی امری غیرقابل انکار است. داده‌های حاصل از توصیف‌های زبانی را می‌توان در نظریه‌پردازی و تلاش برای رسیدن به جهانی‌های زبانی به خدمت گرفت. زبان‌شناسان امروز صرف نظر از اینکه از کدام نظرگاه به زبان می‌نگرند و در کدام اردوگاه نظری به پژوهش می‌پردازند، یک فصل مشترک دارند و آن این است که جملگی در جستجوی جهانی‌های زبانی¹ اند. در این میان، نظریه‌پردازان آگاه شده‌اند که باید از تعمیم‌های افراطی² که ناشی از شتابزدگی و کمبود داده‌هاست پرهیز کنند و به سوی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد گام بردارند. نیل به نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نیازمند آن است که داده‌هایی بیشتر از زبان‌های بیشتری در اختیار زبان‌شناسان قرار گیرد و این داده‌ها از رهگذر توصیف زبانی حاصل می‌آیند. حال، پیامدی کاربردی که توصیف‌ها و مستندسازی‌های زبانی می‌توانند داشته باشند تمهید سازوکاری خواهد بود برای جلوگیری از انقراض زبان‌های رو به خاموشی و تدوین برنامه‌های فرهنگی-آموزشی در جهت تقویت آنها. کارکرد دیگری که این مسئله می‌تواند داشته باشد در مسائل مدیریتی است. شناخت گوناگونی زبان‌های هر منطقه و نیز وضعیت آن‌ها نسبت به زبان رسمی و غالب، بینشی فراهم می‌آورد که در مباحث مدیریتی بسیار می‌توان از آن استفاده کرد. برای نمونه، ساختار آموزشی کشور طی سال‌های گذشته با درک این مسئله، و نیز به رسمیت شناختن نسبی گوناگونی زبانی موجود در کشور و نیز پذیرفتن مسئله‌ی دوزبان‌گونه‌ی به عنوان مسئله‌ای حائز اهمیت، برگزاری کلاس‌های آمادگی زبانی برای کودکان دوزبانه و مریمان آنها را اجباری نموده است. این سیاست توانسته نقشی بسزا در رشد تحصیلی این کودکان و جلوگیری از افت تحصیلی ناشی از مسئله‌ی دوزبان‌گونه‌ی داشته باشد. شناسایی این زبان‌ها در بحث رسانه‌های بومی نیز ماهیت کاربردی قابل دفاعی پیدا کرده به طوری که امروز شبکه‌های محلی صدا و سیما سعی بر استفاده از پتانسیل-های زبان بومی جهت جذب هر چه بیشتر مخاطب دارند. این موضوع در مسائل مدیریت سیاسی در سطوح منطقه‌ای و ملی نیز اهمیت دارد چرا که مسئله‌ی زبان و هویت، روابطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند.

نیاز به توصیف و مستندسازی زبان‌های در حال انقراض مسئله‌ای نیست که محدود به کشور، ملت یا قومی خاص شود، بلکه این دغدغه‌ای بین‌المللی است و البته گام‌هایی نیز، در سطح بین‌المللی، در این جهت

¹ Language Universals

² overgeneralizations